

# سیستم مترادفات

## در نرم افزار درایة النور



نویسنده: سید علیرضا حسینی  
آماده سازی و تنظیم: سید محمد شجاع الدینی

### اشاره

وجود عناوین مشترک و مترادف در اسناد روایات، زمینه ساز طرح بحث «تمییز مشترکات» و «توحید مختلفات» در کتاب های رجالی شده است. برای رسیدن به عنوان واحد از میان عناوین متعدد و مختلف یک راوی، نیازمند رجوع به کتب رجالی می باشیم. اگر با تتبع کتب رجالی نتیجه مطلوب حاصل نشد، سنجش تقریبی طبقه راوی از طریق بررسی تمام اسناد آن راوی و بهره گیری از اطلاعات جمع آوری شده از کتب رجالی محقق را در مسیر رسیدن به عنوان واحد یاری خواهد کرد. در پایان این نوشتار، ضمن ارائه چند نمونه عینی، مراحل توحید مختلفات را به صورت کاربردی در اختیار پژوهشگران رجالی قرار خواهیم داد.

کلیدواژگان: سیستم مترادفات، توحید مختلفات، کتاب های رجالی، درایة النور.

## مراحل کار در سیستم مترادفات

در بحث «سیستم مترادفات»، محقق با عناوین متعددی روبه‌روست که در واقع، می‌توانند از یک نفر حکایت کنند. با توجه به ضرورت شناسایی عناوین متعدد یک راوی، اکنون به بررسی مراحل کار می‌پردازیم.

## الف. رجوع به کتاب‌های رجال

به عناوین زیر توجه کنید:

۱. أحمد بن محمد بن خالد البرقی؛
۲. أحمد بن محمد بن خالد؛
۳. أحمد بن أبی عبد الله البرقی؛
۴. أحمد بن أبی عبد الله؛
۵. أحمد بن محمد أبی عبد الله؛
۶. أحمد البرقی.

تمام این عناوین، از یک نفر حکایت می‌کنند. (شکل ۱) برای اینکه محقق، این حقیقت را باور کند و به این امر، هیچ‌گونه تردیدی نداشته باشد، باید مراحلی را طی کند که اولین آنها، رجوع به کتاب‌های رجال به منظور دستیابی به اطلاعات موجود در باره عناوین فوق است. (۱)

معمولاً ذهنیت اولیه هر پژوهشگری هنگام رجوع به کتاب‌های رجال، چنین است که اطلاعات مربوط به عناوین واقع‌شده در اسناد، خصوصاً عناوینی که بیش از دیگر عناوین در اسناد به چشم می‌خورند، به‌سادگی قابل دسترسی است؛ اما حقیقت امر،

چنین نیست.

فرض می‌کنیم محقق هنگام بررسی مسئله‌ای از مسائل فقهی، به روایتی برخورد کرد که در سند آن، عنوان «أحمد بن أبی عبد الله» در کنار عناوین سایر راویان به چشم می‌خورد. در صورتی که پژوهشگر از اتحاد مصداق این عنوان با عنوان «أحمد بن محمد بن خالد» آگاهی نداشته باشد، طبیعتاً در لابه‌لای کتاب‌های به دنبال عنوان «أحمد بن أبی عبد الله» خواهد بود؛ حال آنکه کتاب‌هایی که عهده‌دار ذکر ترجمه روات هستند و معمولاً در مراجعات مورد استفاده قرار می‌گیرند، (۲) چنین عنوانی را به طور مستقل طرح نکرده‌اند. تنها عنوان «أحمد بن أبی عبد الله البرقی» در «رجال شیخ» در زمره اصحاب امام هادی(ع)(۳) شمرده شده است؛ درحالی‌که در لابه‌لای ترجمه «أحمد بن محمد بن خالد»، از او به عنوان «أحمد بن أبی عبد الله» یا «أحمد بن ابی عبد الله البرقی» تعبیر شده است.

برای مثال، نجاشی در ترجمه عنوان «أحمد بن محمد بن خالد»، پس از معرفی و ذکر کتاب‌های او، بدون اینکه کوچک‌ترین اشاره‌ای به ارتباط بین این دو عنوان داشته باشد، (۴) در ذکر طریق خود به کتاب‌های «أحمد بن محمد بن خالد» چنین می‌گوید: «أخبرنا بجميع كتبه الحسين بن عبید الله قال: حدَّثنا أحمد بن محمد أبو غالب الزراری، قال: حدَّثنا مؤدب علی بن الحسين السعدآبادی أبو الحسن القمی قال: حدَّثنا أحمد بن أبی عبد الله بها.»

و یا در ذکر تاریخ وفات او می‌گوید: «و قال أحمد بن الحسين - رحمه الله - فی تاریخه: توفی أحمد بن أبی عبد الله البرقی فی سنة اربع و سبعین و مائتین.» (۵)

همچنین، مرحوم شیخ طوسی در «فهرست»، در ترجمه «أحمد بن محمد بن خالد» بدون ذکر هیچ ارتباطی بین این دو عنوان، (۶) پس از ذکر شرح حال «أحمد بن محمد بن خالد» در ذکر طرق خویش، به کتاب‌های او چهار طریق را ذکر می‌کند که سه طریق آن،

| عنوان معیار                          | تعداد کل | عنوان اصلی                           |
|--------------------------------------|----------|--------------------------------------|
| أحمد بن محمد بن خالد البرقی (معیار)  | ۱۶۴۷۸    | أحمد بن محمد بن خالد البرقی (معیار)  |
| أحمد بن محمد بن داود الحنظلي         | ۱        | أحمد بن محمد بن داود الحنظلي         |
| أحمد بن محمد بن خالد البرقی (معیار)  | ۱۶۴۷۸    | أحمد بن محمد بن خالد البرقی (معیار)  |
| أحمد بن محمد (مشترک) (معیار)         | ۷۲۰۷     | أحمد بن محمد (مشترک) (معیار)         |
| أحمد بن أبی عبد الله (معیار)         | ۳۳۵۴     | أحمد بن أبی عبد الله (معیار)         |
| أحمد بن محمد بن خالد (معیار)         | ۲۲۹۳     | أحمد بن محمد بن خالد (معیار)         |
| أحمد بن أبی عبد الله البرقی (معیار)  | ۱۲۷۰     | أحمد بن أبی عبد الله البرقی (معیار)  |
| أحمد بن محمد (معیار)                 | ۹۲۴      | أحمد بن محمد (معیار)                 |
| أحمد بن محمد (معیار)                 | ۵۶۴      | أحمد بن محمد (معیار)                 |
| أحمد بن محمد البرقی (معیار)          | ۶۷۸      | أحمد بن محمد البرقی (معیار)          |
| أبو جعفر (معیار)                     | ۴۱۹      | أبو جعفر (معیار)                     |
| أحمد (معیار)                         | ۲۷۸      | أحمد (معیار)                         |
| أحمد بن محمد بن خالد البرقی (معیار)  | ۱۷۳      | أحمد بن محمد بن خالد البرقی (معیار)  |
| أحمد (معیار)                         | ۱۴۸      | أحمد (معیار)                         |
| جد اب علی بن أحمد بن عبد الله بن ... | ۱۰۷      | جد اب علی بن أحمد بن عبد الله بن ... |
| ابن خالد                             | ۴۱       | ابن خالد                             |
| جد اب علی بن أحمد بن عبد الله بن ... | ۳۰       | جد اب علی بن أحمد بن عبد الله بن ... |
| أحمد بن محمد بن عیسی (معیار)         | ۲۹       | أحمد بن محمد بن عیسی (معیار)         |

شکل ۱

معمولاً ذهنیت اولیه هر پژوهشگری هنگام رجوع به کتاب‌های رجال، چنین است که اطلاعات مربوط به عناوین واقع شده در اسناد، خصوصاً عناوینی که بیش از دیگر عناوین در اسناد به چشم می‌خورند، به سادگی قابل دسترسی است؛ اما حقیقت امر، چنین نیست

به عنوان «أحمد بن أبی عبد الله» (۷) منتهی می‌گردد.

به عنوان «أحمد بن أبی عبد الله» (۷) منتهی می‌گردد. هنگام تحقیق در یک عنوان، ممکن است محقق، به همه زوایای اطلاعات مذکور در کتاب‌های رجال توجه نداشته باشد و این امر، موجب سردرگمی او در چگونگی جمع‌آوری اطلاعات از کتاب‌های رجالی گردد؛ اما اگر در یک کار دقیق و همه‌جانبه، اطلاعات موجود در کتاب‌های رجالی شناسایی و دسته‌بندی گردد، به راحتی امکان استفاده از تمام اطلاعات موجود با همه پراکندگی فراهم می‌آید. در خصوص مسئله یادشده، ما می‌توانیم «سیستم مترادفات» عناوین وارده در کتاب‌های رجالی را تهیه کنیم و به نرم‌افزار بدهیم. در این صورت، پژوهشگر هنگام برخورد با عنوانی مثل «أحمد بن أبی عبد الله»، با رجوع به نرم‌افزار، در کوتاه‌ترین زمان ممکن به مطلوب خویش خواهد رسید.

اتحاد مصداق چند عنوان حکم کند. دیدن اسناد به منظور فوق، ممکن است به دو صورت واقع شود: صورت اول، زمانی است که پذیرش اتحاد دو یا چند عنوان با هم، برای محقق مشکل باشد؛ بدون اینکه منشأ این عدم باور و تردید، سوابق ذهنی پژوهشگر از اطلاعات بوده باشد؛ مثلاً با رجوع به کتاب‌های رجالی، به راحتی می‌توان پذیرفت که عناوین چهارگانه «أحمد بن محمد بن خالد»، «أحمد بن محمد بن خالد البرقی»، «أحمد بن أبی عبد الله» و «أحمد بن أبی عبد الله البرقی»، با یکدیگر متحدند؛ اما در مورد دو عنوان «أحمد البرقی» و «أحمد بن محمد بن أبی عبد الله»، ممکن است چنین یقینی حاصل نشود. باید این امکان را برای محقق فراهم کرد تا به این باور برسد که

ب. سنجش طبقه تقریبی راوی

گاه ممکن است با طی مرحله اول، محقق به هدف خویش دست یابد و بی‌نیاز از سایر مراحل گردد؛ اما باید در نظر داشت که همیشه چنین نیست؛ بلکه لازم است به منظور یقین به اتحاد بین چند عنوان، تمام اسناد عناوین مورد نظر را ببیند و با توجه به طبقه راوی و در نظر گرفتن اطلاعاتی که از کتاب‌های جمع‌آوری کرده، به

| عنوان اصلی                  | عنوان معیار                 | تعداد | کل   |
|-----------------------------|-----------------------------|-------|------|
| أحمد بن أبی عبد الله        | أحمد بن أبی عبد الله        | ۳۲۵۷  | ۶۴۴۳ |
| أحمد بن محمد بن خالد البرقی | أحمد بن محمد بن خالد البرقی | ۱۷    | ۶۴۴۳ |
| أحمد بن محمد بن خالد        | أحمد بن محمد بن خالد        | ۱۰    | ۲۰۹۹ |
| أحمد البرقی                 | أحمد البرقی                 | ۹     | ۸۱۰۹ |

شکل ۲

دو عنوان مزبور، با عناوین دیگر متحدند؛ به گونه‌ای که هیچ احتمال خلافی در کار نباشد. این امر، جز با دیدن اسناد عناوین مختلف و مقایسه آنها با هم، به ضمیمه قراین و اطلاعات به دست آمده از کتاب‌های رجالی، امکان‌پذیر نیست. نقش رایانه در امر دیدن اسناد، در جای خودش به طور مفصل توضیح داده شده و نیازی به تکرار نیست.

صورت دوم، زمانی است که رجوع به کتاب‌های رجالی، نیاز محقق را برآورده نمی‌کند و پژوهشگر در این مرحله، به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسد. در این فرض نیز دیدن اسناد برای محقق، امری ضروری است.

فرض کنید که پژوهشگر با عنوان «ابن فضال» برخورد کرده و قصد تحقیق در باره آن را دارد. از طرف دیگر، در اسناد، عناوین ذیل را نیز مشاهده کرده است:

- علی بن الحسن بن فضال؛
- اخوان علی بن الحسن بن فضال؛
- الحسن بن علی بن فضال؛
- أحمد بن الحسن بن علی بن فضال؛
- علی بن الحسن بن علی بن فضال.

اما احتمال می‌دهد که مراد از «ابن فضال» در اسناد، «الحسن بن علی بن فضال» باشد. برای اثبات این امر، باید مراحل زیر طی شود (شکل ۲):

در ابتدا باید تمام عناوینی که به «ابن فضال» ختم می‌گردند، شناسایی شود. در حال حاضر، ساده‌ترین و سریع‌ترین راه برای حصول این مقصود، رجوع به «دلیل معجم رجال الحدیث» می‌باشد که تمام عناوین وارد شده در اسناد کتاب‌های اربعه را جمع‌آوری کرده است. با رجوع به این کتاب، محقق ناچار است برای جدا کردن عناوین مورد نظر، ۱۵۵۴۰ عنوان را با دقت بررسی کند. در صورتی که دیدن هر عنوان، دست‌کم ۲ ثانیه وقت لازم داشته باشد، حدود ۵۲۰ دقیقه وقت لازم است تا عناوین را بررسی و

عناوین مورد نظر را یادداشت کند؛ در حالی که با استفاده از نرم‌افزار درایه، با صرف چند ثانیه وقت می‌توان به این مقصود نایل شد.

پس از جداسازی عناوین، نوبت به دیدن اسناد، به منظور سنجش طبقه عناوین به دست آمده می‌رسد. اگر عناوین جمع‌آوری شده منحصر در ۶ عنوان سابق باشد، محقق ناچار است حدود ۱۹۸۰ سند را جمع‌آوری کند و به مقایسه آنها بپردازد:

- ابن فضال: ۸۷۴ سند؛
- علی بن الحسن بن فضال: ۶۷۹ سند؛
- أخوان علی بن الحسن بن فضال: ۱۶ سند؛
- الحسن بن علی بن فضال: ۲۶۵ سند؛
- أحمد بن الحسن بن علی بن فضال: ۱۳۸ سند؛
- علی بن الحسن بن علی بن فضال: ۷ سند.

با توجه به اهمیتی که قراین موجود در کتاب‌های روایی، در فهم اسناد و شناسایی عناوین مردد دارند - همچنان که پیش‌تر نیز تأکید کردیم - باید هنگام تنظیم اسناد به موارد ذیل توجه داشت:

- ترتیب اسناد، به ترتیب ذکر شده در کتاب؛
- فاصله بین هر دو سند در کتاب؛
- اختلاف ابواب یا کتب.

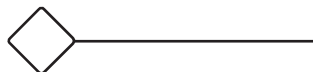
برای دستیابی به چنین هدفی، حداقل باید یک بار اسناد سه کتاب: کافی، تهذیب و استبصار - یعنی حدود ۳۶۰۰۰ سند - بررسی شود و اسناد مورد نظر با در نظر داشتن ویژگی‌های فوق، استخراج گردد و در مرحله بعد، با هم مقایسه شوند. (۸) پرواضح است که



شکل ۳



**در ارائه راه حل برای مشکلات اسناد و از جمله مشکل عناوین مترادف، رجوع به اسناد و استمداد از این منبع (معجم رجال الحديث)، ضروری است؛ چراکه تحقیق در باره اسناد مشکل، بدون در نظر داشتن خود اسناد، چنان که بایسته است، به موفقیت نمی انجامد**



چنین کاری، نیازمند صرف وقت بسیاری می باشد؛ در صورتی که این مهم، با وجود برنامه درایة النور، در مدت زمان کوتاهی قابل دسترسی است.

#### چند نمونه عینی

در این بخش، به ذکر چند نمونه عینی از عناوین مورد بحث، همراه با نگاهی مقایسه‌ای به «معجم رجال الحديث» می پردازیم. هدف از این کار، تأکید بر این نکته است که در ارائه راه حل برای مشکلات اسناد و از جمله مشکل عناوین مترادف، رجوع به اسناد و استمداد از این منبع (معجم رجال الحديث)، ضروری است؛ چراکه تحقیق در باره اسناد مشکل، بدون در نظر داشتن خود اسناد، چنان که بایسته است، به موفقیت نمی انجامد. در نمونه‌های ذیل، خواهیم دید که اثر ارزشمند «معجم رجال الحديث»، با وجود همه محاسنی که دارد - و به جرئت می توان گفت این کتاب را در زمره ارزشمندترین کتاب‌های رجالی و قابل استفاده‌ترین آنها قرار داده - ، به دلیل عدم توجه کامل به اسناد هنگام استدلال، در بعضی موارد دچار اشتباه شده است.

در گزینش مثال‌ها، سعی کرده‌ایم نمونه‌هایی را انتخاب کنیم که یا متضمن نکاتی است که توجه به آنها در استنتاجات نقش تعیین کننده داشته است و یا فایده‌ای از فواید رجالی مستقیماً بر آن بار می شود.

#### - مثال اول:

از جمله عناوین مبهمی که در اسناد روایات واقع شده و همین ابهام موجب اشتباه در تعیین مصداق آن گردیده، عنوان «القдах» است. از طرف دیگر، با عناوینی نظیر موارد ذیل روبه‌رو هستیم:

- ابن القдах؛
- عبد الله بن القдах؛
- میمون بن القдах؛
- عبد الله بن میمون القдах؛
- عبد الله القдах.

حال، باید دید که عنوان «القдах» با کدام یک از عناوین مذکور متحد است؛ با «میمون القдах» یا با دیگر عناوین که همگی به یک عنوان رجوع می کند؟ (شکل ۳)

ممکن است با توجه به قرآینی، در ابتدای امر چنین به ذهن آید که مراد از عنوان فوق، «میمون القдах» است؛ نه «عبد الله بن میمون» که پسر اوست. از جمله این قراین، تکرار عناوینی است که مراد از آنها «عبد الله» است؛ عناوینی چون:

- ابن القдах: ۱۱۲ مورد؛
- عبد الله بن میمون القдах: ۴۴ مورد؛
- عبد الله بن القдах: ۲ مورد.

از دیگر قرآینی که ممکن است موجب تأکید بر نظر پیش گردد، ترجمه «میمون القдах» است. مرحوم شیخ طوسی در سه موضع از او یاد کرده و در هر سه موضع، وی را به «القдах» ملقب کرده و از او با عنوان «میمون القдах» تعبیر کرده است. (۹)

شاید با توجه به همین قراین بوده است که مؤلف محترم کتاب مورد بحث - اعلی الله مقامه - ، در ذیل عنوان «القдах» پس از ذکر موارد روایات او، چنین می گوید: «اقول: أن القдах اسمه میمون، و قد تقدمت ترجمته بعنوان میمون القдах الذی روی عن أبی جعفر و أبی عبد الله - علیهما السلام - علی ما ذکره النجاشی فی ترجمة ابنه عبد الله، و لکن سید التفرشی اشتبه علیه الأمر فذکر أن القдах اسمه عبد الله بن میمون، مع أن عبد الله لم یرو عن أبی جعفر - علیه السلام - و إنما روی عن أبیه عن أبی جعفر - علیه السلام -». (۱۰)

در واقع، عمده استدلال ایشان، تکیه بر این نکته است که چون «میمون القдах» از «أبو جعفر (علیه السلام)» روایت کرده است، پس عنوان «القдах» فقط بر او منطبق است؛ در حالی که مواردی را که ایشان تحت عنوان «القдах» نشانی می دهد، فقط در یک مورد، سند به «أبو جعفر (علیه السلام)» منتهی می شود و اتفاقاً در

این سند، تعبیر صریح «القداح» وجود ندارد؛ بلکه سند چنین است:

«محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابن القداح، عن أبيه، قال: نزلت علی ابي جعفر - علیه السلام -» (۱۱)

لفظی که در سند موجود است و ایشان تطبیق بر عنوان «القداح» کرده، لفظ «أبيه» می‌باشد. در اینجا، دو مرحله از بحث وجود دارد؛ اول اینکه با دیدن مواردی نظیر «ابن القداح عن أبيه» یا «ابن جمهور عن أبيه»، آیا بدون توجه به هیچ قرینه دیگری، می‌توان گفت مراد از لفظ «أبيه»، القداح و یا جمهور است؟ این مرحله را در مثال بعد به طور مفصل، بررسی خواهیم کرد.

در مرحله دوم، اگر پذیرفتیم که مراد از «أبيه» در سند مورد بحث، عنوان «القداح» بوده و این لفظ هم به قرینه روایت از «أبو جعفر(علیه السلام)»، بر «میمون القداح» منطبق است، چه دلیلی وجود دارد که سایر مواردی که ایشان نشانی داده و تعبیر «القداح» صریحاً به کار رفته است و در هیچ مورد هم، سند به «أبو جعفر(علیه السلام)» منتهی نمی‌شود، مراد از این لفظ «میمون القداح» باشد؟ آیا اصولاً اگر در یک مورد، مراد از لفظی مشخص بود، در موارد دیگر به اتکای همان یک مورد و بدون توجه به سایر قراین، می‌توان گفت که مراد، همان است که در مورد پیش بود؟

جواب این سؤال را با ترسیم نمایی کوچک از اسناد «القداح» و دیگر عناوین خواهیم یافت.

به اسناد زیر توجه کنید:

«عدّة من أصحابنا، عن سهل بن زیاد، عن جعفر بن محمد الأشعري، عن عبد الله بن ميمون، القداح، عن أبي عبد الله - علیه السلام -» (۱۲)

«عدّة من أصحابنا، عن سهل بن زیاد، عن جعفر بن محمد الأشعري، عن القداح، عن أبي عبد الله - علیه السلام -» (۱۳)

«علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن جعفر بن محمد الأشعري، عن القداح، عن أبي عبد الله - علیه السلام -» (۱۴)

«علی بن ابراهیم، عن أبيه،

اگر در یک کار دقیق و همه‌جانبه، اطلاعات موجود در کتاب‌های رجالی شناسایی و دسته‌بندی گردد، به راحتی امکان استفاده از تمام اطلاعات موجود با همه پراکندگی فراهم می‌آید

عن حماد بن عیسی، عن عبد الله بن ميمون القداح، عن أبي عبد الله - علیه السلام -» (۱۵)

«علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن حماد بن عیسی، عن القداح، عن أبي عبد الله - علیه السلام -» (۱۶)

«محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن ابن فضال، عن عبد الله بن ميمون القداح، عن أبي عبد الله - علیه السلام -» (۱۷)

| عنوان اصلی                             | تعداد |
|--|-------|
| أحمد بن علي بن محبوب [تحقیق]           | ۶۳۱۰  |
| ابن محبوب [تألیف، تحقیق]               | ۱     |
| ابن محبوب بن یوسف                      | ۰     |
| الحسن بن علي بن محبوب [تحقیق]          | ۱۱۷۵۶ |
| الحسن بن محبوب [تألیف، تحقیق]          | ۰     |
| الحسن بن محبوب ابن وهب [تألیف]         | ۱۰    |
| الحسن بن محبوب الزراد [تألیف، تحقیق]   | ۳     |
| الحسن بن محبوب السراذ [تألیف، تحقیق]   | ۱۰    |
| الشیخ الحسن بن محبوب                   | ۳۹    |
| بعض اصحاب ابن محبوب                    | ۱     |
| بعض اصحاب ابن محبوب بن یوسف            | ۱۰    |
| بعض اصحاب الحسن بن محبوب               | ۳     |
| بعض رجال الحسن بن محبوب                | ۵     |
| جعفر بن محبوب [تحقیق]                  | ۰     |
| جعفر بن محمد بن الحسن بن محبوب [تحقیق] | ۳۴    |

شکل ۳



بنابراین، لزوم توجه به اسناد در برخورد با عناوین مبهم، از جمله عناوینی که بیانگر القاب روات هستند، امری ضروری است و رایانه در آسان سازی این امر و فراهم آوردن زمینه های لازم، نقشی بی بدیل دارد.

### - مثال دوم:

عنوان «ابن جمهور»، از دیگر عناوین مبهمی است که در اسناد روایات به چشم می خورد. این عنوان، مجموعاً ۳۹ مورد در اسناد کافی، تهذیب و استبصار تکرار شده که در ۲۴ مورد آن، با لفظ «ابن جمهور

عن ابیه» از پدر خویش نقل می کند. از طرفی، در اسناد، با دو عنوان «محمد بن جمهور» و «الحسن بن محمد بن جمهور» و در کتاب های رجال، با عنوان «جمهور بن أحمَر» که پدر «محمد بن جمهور» است، روبه رو هستیم. آیا با دیدن تعبیر «ابن جمهور عن ابیه» به این نتیجه می رسیم

که مراد از ابیه، «جمهور بن أحمَر» است؟ یا لازم است به قراین موجود در سند و از جمله طبقه راوی، توجه لازم صورت گیرد؟

در معجم رجال الحدیث، در ذیل عنوان «ابن جمهور» می خوانیم: «أقول: تقدم "محمد بن جمهور" و "الحسن بن محمد بن جمهور" و الظاهر أنّ المراد باین جمهور فی هذه الروایات هو؛ محمد والد الحسن. وذلك من جهة اقتضاء الطبقة.» (۱۸) و در ذیل عنوان جمهور می خوانیم: «وقع فی اسناد عدّة من الروایات تبلغ واحداً و عشرين مورداً فقد روی عن... و روی عنه فی جمیع ذلك ابته.»

و در پایان آورده است: «أقول: هو متحد مع ما بعده.» (۱۹) که عنوان بعد، «جمهور بن أحمَر العجلی» است.

در واقع، تمامی مواردی را که تعبیر «ابن جمهور عن ابیه» در سند وجود داشته، مؤلف محترم - اعلی الله مقامه - روایات «محمد بن جمهور» از پدرش گرفته و بر همین اساس، ۲۱ روایت را به جمهور نسبت می دهد؛ در حالی که با رجوع به اسناد و مقایسه بین اسناد «محمد بن جمهور» و «ابن جمهور»، این نکته آشکار می گردد که در تمام موارد فوق، مراد از «ابن جمهور»، «الحسن بن محمد بن جمهور» است.

توجه به اسناد فوق، بیانگر این نکته است که حداقل در پاره ای از اسناد و در خصوص عنوان «ابن جمهور»، اختصار در نسب به کار رفته است و به هیچ عنوان، نمی توان مطمئن شد که اختصار در نسب، منحصر به موارد فوق باشد. از این رو، ضروری است که در

### نرم افزارهای تخصصی رجال

همچون درایة النور، ضمن آنکه دسترسی محقق را به منابع کمیاب و نایاب تسهیل می نمایند و جمع آوری حداکثری اطلاعات مورد نیاز وی را سرعت می بخشند، وی را در دسته بندی، مرتب کردن و تجزیه و تحلیل اطلاعات به منظور دستیابی به نتایج مطلوب و مستدل، یاری می رسانند

تعیین مصداق یک عنوان، به تمام قراین - و مهم‌ترین آنها، اسناد آن عنوان - توجه کامل داشت.

#### - مثال سوم:

از عناوینی که به کرات در اسناد به چشم می‌خورد، عنوان «ابن محبوب» با ۱۹۰۹ مورد تکرار است. در نگاه نخست، ممکن است مردد بین «حسن بن محبوب» با ۱۳۶۴ مورد تکرار، و «محمد بن علی بن محبوب» با ۱۱۵۹ مورد تکرار باشد. از آنجا که یکی از دو طرف تردید این عنوان، یعنی «حسن بن محبوب»، از جمله اصحاب اجماع می‌باشد، (۲۰) تعیین مصداق عنوان مزبور با توجه به میزان تکرار آن و بر اساس قول مشهور در مسئله اصحاب اجماع، ممکن است موجب تصحیح بسیاری از اسناد روایات گردد. نتیجه‌گیری قطعی در مورد تعیین مصداق این عنوان، جز از راه استخراج اسناد عناوین سه‌گانه فوق و مقایسه آنها با یکدیگر امکان‌پذیر نیست. هیچ روشی قادر نیست جایگزین این روش باشد. این امر، مستلزم استخراج حدود ۴۴۳۰ و ترتیب و مقایسه آنها با هم می‌باشد. از آنجا که توجه به چنین امری، هنگام استدلال و نتیجه‌گیری در معجم رجال الحدیث، مد نظر نبوده است، در ذیل عنوان «ابن محبوب» آمده است: «أقول: و تقدمت ترجمته بعنوان الحسن بن محبوب و محمد بن علی بن محبوب» (۲۱)

لازمه عبارت فوق، اشتراک عنوان «ابن محبوب» بین دو نفر ذکر شده است؛ حال آنکه رجوع به اسناد سه عنوان یادشده، بیانگر عدم اشتراک و تعیین عنوان «ابن محبوب» در «حسن بن محبوب» است. (شکل ۴)

بار دیگر متذکر می‌گردیم که این نگاه مقایسه‌ای، به دلیل تأکید بر ضرورت رجوع به اسناد صورت گرفت و در خلال مباحث پیشین، به‌خوبی روشن گردید که استفاده از رایانه، به منظور رجوع به اسناد و دیگر منابع، همچون کتاب‌های رجال، ضروری و بدون چالشین است.

#### سخن پایانی

شناسایی «عناوین مترادف»، نیازمند تتبع وسیع و پیمودن مراحل متعدد جهت جمع‌آوری قراین و اطلاعات در باره اسناد روایات و روایان آنها می‌باشد. با توجه به گستردگی منابع و اطلاعات، مراجعه مستقیم به انبوه اطلاعات موجود در منابع و کتاب‌های روایی و رجالی، علاوه بر اینکه وقت فراوانی از محقق می‌گیرد، تحلیل و نتیجه‌گیری او را نیز با دشواری مواجه می‌سازد. نرم‌افزارهای

تخصصی رجال همچون درایة النور، ضمن آنکه دسترسی محقق را به منابع کمیاب و نایاب تسهیل می‌نمایند و جمع‌آوری حداکثری اطلاعات مورد نیاز وی را سرعت می‌بخشند، وی را در دسته‌بندی، مرتب کردن و تجزیه و تحلیل اطلاعات به منظور دستیابی به نتایج مطلوب و مستدل، یاری می‌رسانند. ■

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک: فصلنامه ره‌آورد نور، ش ۶۷، مقاله «سیستم مترادفات و تمییز مشترکات در نرم‌افزار درایة النور»، قسمت اول، مبحث «محور دوم: سیستم مترادفات یا توحید مختلفات».
۲. منظور، رجال نجاشی، فهرست و رجال شیخ است.
۳. رجال الشیخ، ص ۴۱۰، اصحاب الهادی، ش ۱۶.
۴. ر.ک: رجال نجاشی، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۷۱.
۵. همان، ص ۷۷.
۶. ر.ک: فهرست شیخ، ص ۲۰، ر ۵۵.
۷. همان، ص ۲۲ - ۲۱.
۸. هیچ‌کدام از منابع موجود، برای چنین بررسی‌ای مفید نیستند.
۹. ر.ک: رجال شیخ، ص ۳۱۷، ر ۶۰۰؛ همان، ص ۱۲۵، ر ۱۴؛ همان، ص ۱۰۱، ر ۱۰.
۱۰. معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۱۳۲.
۱۱. فروع الکافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۱.
۱۲. الکافی (اسلامیه)، ج ۲، ص ۷۹، ح ۳.
۱۳. همان، ج ۳، ص ۲۴۶، ح ۴.
۱۴. همان، ص ۶۹، ح ۲.
۱۵. همان، ج ۲، ص ۵۲۷، ح ۱۶.
۱۶. همان، ج ۱، ص ۳۴، ح ۱.
۱۷. همان، ج ۶، ص ۳۷۰، ح ۳.
۱۸. معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۷۱.
۱۹. همان، ج ۴، ص ۱۴۶ - ۱۴۵.
۲۰. بر اساس نظری از اقوال موجود در مصدق اصحاب اجماع.
۲۱. معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۳۰.